



مقاله با موضوع ؛

مادر و مادرک در اندیشه امام خمینی (ره)

قدرت الله عفتی

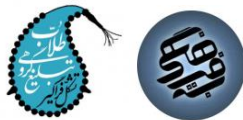
اشاره:

هر انسانی مادری از خاک «إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ» (ص / ۷۱) و مادری از خون (انسان) «يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (الزمر / ۶) دارد. مادر خون تأثیر کم نظیر بلکه بی نظیر بر فرزندش دارد لذا خیلی ها برای اغراض شان می خواهند آن را از میان بردارند تا مطابق امیال خود، فرزند این مادر را پیروانند که بر او حاکم گردند. اما خداوند برای تربیت فرزندان سالم و صالح، مادر را برگزید و به او محبت مادرانه و شرافت مادری داد. تا این مادر سراسر مهر و محبت که قهر و غضبش از عشق و محبت است، انسان درستی به جامعه تحویل دهد که اجتماع را به سعادت برساند.

امام (ره) استقلال و آزادی و مصالح مملکت را مرهون تربیت صحیح مادر دانست و فرمود: «اساساً تربیت از دامان پاک مادر و جوار پدر شروع می شود و با تربیت اسلامی و صحیح آنان استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور پایه ریزی می شود.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۵)

آنها که استقلال و آزادی و مصالح کشوری را نمی خواهند با مادر سالم و صحیح به ستیز برخاستند تا خودشان بر آن کشور حاکم باشند.

مقدمه



جهان دوران برده داری را پشت سر گذاشته است. در ظاهر غلام و کنیز زر خرید وجود ندارد ولی آن هایی که به برده داری عادت کرده بودند دست از بهره کشی برنداشتند فقط نوع آن را عوض کردند. امروزه با تغییر نام، برده داری مدرن را جایگزین کرده اند.

کشورهای استعماری نیز لشکر کشی، کشته دادن و تحمل مشقت حضور در کشورهای ضعیف تر را کنار گذاشتند. آنها با سلاح تبلیغات به جنگ فرهنگ ها رفتند تا به راحتی کشورها را فتح کنند و به مقاصد خود برسند. در واقع استعمار، اشغال گری و مستعمره گیری را مانند برده داری مدرن کرده است.

استعمارگران برای رسیدن به این هدف مدرن شده، به فرهنگ جامعه حمله می کنند، در واقع به عنصر اصلی فرهنگ ساز جامعه حمله می کنند. یکی از عناصر اصلی فرهنگ ساز در جامعه، مادر است و آنها به جایگاه مادر حمله کرده اند تا فرهنگ ملت را تغییر بدهند.

برنامه حمله به جایگاه مادر در ایران، قبل از انقلاب اسلامی یعنی دوران پهلوی شروع شد. بعد از پیروزی انقلاب برای ترمیم آن تلاش هایی صورت گرفت و الآن نیز ادامه دارد؛ اما باید بدانیم بعد از جنگ تحمیلی، در برنامه کنترل جمعیت، به طور ناخواسته، آن تزلزلی که قبل از انقلاب برای جایگاه مادری به وجود آورده بودند، دو باره در اذهان خودنمایی کرد. چون در پس اذهان باقی مانده بود.

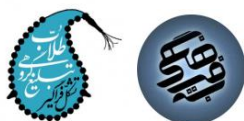
اگر بخواهیم فرهنگ جامعه دینی و صحیح شود باید مادر به جایگاه والای مادری بنشینند. آن خدائی که ما را آفرید و برنامه زندگی ما را در غالب اسلام نازل نمود، و در بسیاری از مسائل اجتماعی، زن را همدوش مرد قرار داد؛ مادری را مهمترین وظیفه اجتماعی زن دانست. در اسلام شغل مادری یکی از اصلی ترین جایگاه های شغلی و منزلت اجتماعی بانوان است، باقی اشتغالات برای زن، شغل دوم و سوم است که بانوان باید وقت های اضافی خود را به آن اختصاص دهند.

طرح استعماری حذف مادری

جبران خلیل جبران (شرق شناس معروف) جمله مشهوری دارد: برای انهدام یک تمدن، سه چیز را باید منهدم کرد.

۱. خانواده ۲. نظام آموزشی ۳. الگوها و اسوه ها.

برای انهدام خانواده، منزلت مادر به عنوان مربی کودکان را متزلزل کن تا او از اینکه مادر شده است، خجالت بکشد.



بر اساس همین نظریه ابرقدرت های استعمارگر با سوء استفاده از دانش و دانشمند، با برنامه های پرزرق و برق، و تبلیغات وسیع وارد میدان نبرد با فرهنگ جوامع شدند تا بتوانند به اغراض خود برسند. در این مسیر راسل و امثال او نقش عمده ای داشتند.

شهید مطهری می نویسد: راسل و امثال او خود را مخالف اخلاق تابو معرفی کردند، یعنی خود را مخالف ترس و وحشت های بی منطق مانند هیولا، دیو و ... معرفی کردند، در صورتی که خودشان بزرگترین عامل برای نوعی ترس و وحشت بی منطق هستند. اینها فرزند را دشمن سلامت، زیبایی، طول عمر، خوشی و لذت زن معرفی کرده اند، به طوری که ترس و وحشت بی منطق آنها، نیمی از وجود زنان را نسبت به مادر شدن گرفته است. (مجموعه یادداشت های مطهری، ج ۷، ص ۲۴-۲۵)

مادری اگر طبق دستورات دینی و پزشکی صورت بگیرد، به سلامتی، زیبایی و طول عمر، همراه با لذت و بهجت در عین زحمت و سختی سازگار است. (مجموعه یادداشت های مطهری، ج ۷، ص ۲۴-۲۵). قرآن درباره مادر شدن فرمود: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا» (احقاف / ۱۵) کُرّه به معنای سختی با لذت و خواست قلبی است. خداوند در مادری لذت قرار داد. این عمل را برای زن لذت بخش کرده است.

راسل می گوید لذت شیردادن حقیقی نیست، ناشی از تلقین و اغفال مردان است. با این تبلیغات منفی، زن امروزی چند بار کورتاژ می کند، تا بچه دار نشود. کورتاژ عمل غیر طبیعی است و در فرسوده کردن زن اثر فوق العاده دارد. زن امروزی از چند بچه داشتن متنفر است، چون می ترسد به او بگویند اُمّ و قدیمی است. این تلقین به شکل عجیبی در زن مؤثر است. علاقه زیاد زن به زیبایی و محبوبیت، او را در مقابل تبلیغات و تلقینات منفی، حساس کرده است، در نتیجه درد و عواقب کورتاژ را تحمل می کند اما فرزند را تحمل نمی کند. این اثر همان ترس بی منطق و هیولایی است که امثال راسل به جان زنان انداختند. (ر.ک: مجموعه یادداشت های مطهری، ج ۷، ص ۲۴-۲۵)

آنچه از راسل و امثال او با عنوان سوغات غرب آمده است، موجب ناله متفکران غربی امروز از بهم خوردن نظم خانوادگی و سست شدن پایه ازدواج و کاهش علاقه پدر و مادر و بالأخص علاقه مادر نسبت به فرزند، و تنفر از مادر شدن، و ابتدال زن دنیای امروز و جانشین شدن هوس های سطحی به جای عشق، بیش از پیش به گوش می رسد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۴۵)

آیت الله جوادی آملی می نویسد: خدایی که ما را خلق نمود، همان خدائی که مصالح ما را بهتر از ما می داند و زنان را شش سال زودتر از مردان به حضور پذیرفته (به تکلیف رسانده)؛ چنین دستور داد که خانواده اصل است. آنهائی که خانه را منحل کرده و در حد خوابگاه به آن می نگرند، جان و روح زن را از خانه بیرون آوردند و به مرکز



فساد کشاندند، نمونه بارز انحطاط آن را در کشورهای پیشرفته دیده و می بینیم.(ر.ک. زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۱۷)

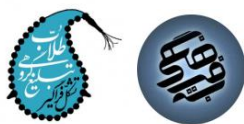
این مسیر تمدن و یا لااقل تمدنی که تاکنون توسعه یافته متمایل به تضعیف خانه و خانواده و احساسات مادری است که پیامد آن تضعیف عواطف افراد خانواده به همدیگر و نیز به انسانهای دیگر شده، خشم و غضب را در اجتماع افزایش داده و جامعه را به ناامنی سوق می دهد.

طرح استعماری در ایران

حمله به جایگاه مادر در ایران نیز به اجرا در آمد. در دوران رضا شاه (سال ۱۳۱۴ش) متحد الشکل شدن البسه تصویب شد؛ سال ۱۳۱۷ش کشف حجاب اجباری شد، با حمله به حجاب عملاً زنان را به اماکن نامربوط کشاندند. همین برنامه با طرح شش ماده ای محمدرضا به عنوان آزادی زنان در قالب رأی دادن و رأی گرفتن (نماینده شدن) ادامه یافت. این طرح به مدت ۵۰ سال در ایران اجرا شد، در آن دوران با ایجاد شخصیت کاذب برای زنان بی حجاب (زن شاغل بی حجاب) نسبت به زنان خانه دار مخصوصاً مادران محجبه؛ تزلزلی گسترده در جایگاه مادری ایجاد کردند. امام خمینی در این باره می فرمود:

«نقشه این بود که این قشر مؤثر [مادر] را که از دامن آنها زنان و مردان مؤثر تربیت می شود طوری کنند که اطفال خودشان را از دامنهای خودشان برانند، و در جاهای دیگری که اطفال در آنجا جمع می شوند انباشته کنند؛ و شما را از مهر مادری و آنها را از سرپرستی مادرانشان جدا کنند، تا این افرادی که باید در دامنهای شما تربیت بشوند از شما جدا بشوند، و نتوانند برای کشور خودشان و برای اسلام عزیز عمل کنند. نقشه این بود که با توطئه کشف حجاب مفتضح در زمان قُلدرُ نافهم رضا خان، این قشر عزیز را که جامعه را باید بسازند تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند جامعه را.» (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۱۹۶)

«مادر بودن و اولاد تربیت کردن بزرگترین خدمتی است که انسان به انسان می کند. این را کوچکش کردند. این را منحطش کردند. این خیانت را به جامعه ما کردند. مادر بودن را در نظر مادرها منحنط کردند. در صورتی که اشرف کارها در عالم مادر بودن است و تربیت اولاد. همه منافع کشور ما از دامن شما مادرها تأمین می شود. و اینها نمی خواستند بشود.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۶)



«تربیت اولاد بالاترین چیزی است که در همه جوامع از همه شغلها بالاتر است. هیچ شغلی به شرافت مادری نیست. و اینها منحط کردند این را. این خیانت بزرگی است که به ما کردند، و به ملت ما کردند. مادرها را منصرف کردند از بچه داری بچه داری را یک چیز منطقی حساب کردند.» (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۷)

این طرح حمله به مادران و تزلزل جایگاه مادری، قبل از انقلاب اسلامی انجام شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، برای ترمیم آن قدمهای مثبتی برداشته شد.

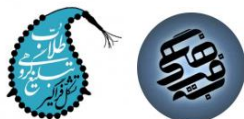
اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی به زن، مخصوصاً مادر توجه خاصی نموده است؛ ولی اثرات منفی حمله به جایگاه مادری در دوران ستم شاهی، هنوز در پس اذهان باقی است.

رهبر معظم انقلاب در دیدار شورای فرهنگی اجتماعی بانوان فرمود: «مسأله زن، مسأله ی بسیار مهمی است. البته بعد از انقلاب اسلامی در کشور ما، وضع زن به عنوان عضوی از جامعه و همچنین به عنوان کسی که صاحب وظایف زنانه است، وظیفه ی مادری و همسری و امثال این ها را دارد، خیلی بهتر از گذشته است.» (ر.ک سی دی حدیث ولایت، بیانات ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۹)

«مسأله ی خانواده خیلی مهم است. همت مهم شما (بانوان) در این طرح ها باید این باشد - قاعدتاً هم هست - که واقعاً از کار زن گره گشایی کنید؛ ببینید گره های عمده کجاست. یکی از مهم ترین گره ها در «خانواده» است؛ بروید ببینید در خانواده ها چه خبر است؛ خود شماها می دانید و می بینید. ببینید چه چیزی این نابسامانی ها را به وجود می آورد؛ ریشه های آن را پیدا کنید و طرح های بلند مدت بریزید، تا آن نابسامانی ها برطرف بشود.» (ر.ک سی دی حدیث ولایت، بیانات ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰)

امام (ره) می فرمود:

«شما خانم ها به طوری که حالا خودتان می گوید معلم هستید؛ دو شغل شریف دارید. شما خانمها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند، که این از همه شغلها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی توانم بیان کنم. پس شما یک شغلتان این است که بچه های خوب تربیت کنید. دامن مادرها دامنی است که «انسان» از آن باید درست بشود. یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر و برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علایق هست و هیچ علاقه ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه ها از مادر بهتر [مسائل] را اخذ می کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند. از این جهت بچه هایتان [را] در دامناتان تربیت اسلامی، تربیت انسانی بکنید تا وقتی تحویل می دهید شما این بچه را به دبستان، یک بچه صحیح، اخلاق خوب، آداب خوب؛ آن طور



تحويل بدهيد. پس يك شغل، شغل تربيت اولاد است؛ كه مع الأسف در آن حكومت طاغوتی اين شغل را می خواستند از اين مادرها بگيرند. تبليغ كردند به اينكه زن چرا بچه داری بكند ... اين شغل شريف را منحطش كردند در نظر مادرها؛ برای اينكه می خواستند كه مادرها از بچه ها جدا بشوند، بچه ها را ببرند در پرورشگاهها بزرگ كنند؛ مادرها هم علی حده بروند يك كارهایی كه آنها دلشان می خواهد بكنند. بچه در پرورشگاه وقتی كه بزرگ بشود، يك بچه ای كه در دامن مادر بزرگ بشود نيست؛ عقده پيدا می كند. وقتی بچه در پرورشگاه و بدون مادر با اجنبی بخواهد سر و كار داشته باشد و محبت مادر از سر او كم بشود، اين بچه عقده پيدا می كند. بسياری از اين مفسده هایی كه در جامعه واقع می شود، از اين بچه هایی هستند كه عقده دارند؛ از اين انسانهایی هستند كه عقده دارند. مبدأ يك عقده بزرگ، اين جدا كردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنا بر اين، اين شغل كه شغل انبيا است و انبيا هم آمدند برای اينكه انسان درست كنند، اين شغل اول شما هست؛ در اول تربيت بچه. (صحيفه امام، ج ۸، ص ۹۰-۹۱).

منزلت مادر در قرآن

خداوند در قرآن برای والدين مخصوصاً برای مادر ارزش و احترام خاصی قائل است. در آيات مختلف فرزندان را به احسان والدين فرا ميخواند «وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا» (عنكبوت / ۸). (به انسان سفارش كرديم كه به پدر و مادر خود نيكي كند.) در اين آيه، همه انسانها را سفارش به والدين می كند، فرق بين موحد و غير موحد نگذاشته است.

خالق هستی در آيه ديگر احسان به والدين را در کنار شكر و سپاس گزار خودش آورده است.

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَ فِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ» (لقمان / ۱۴). (انسان را درباره پدر و مادرش سفارش كرديم؛ مادرش به او باردار شد، سختی مدام را تحمل كرد و دو سال به او شير داد. به اين انسان سفارش كرديم كه شكر گزار من و پدر و مادرت باش كه بازگشت همه به سوی من است.)

قسمت پایانی آيه شريفه كه فرمود بازگشت همه به سوی من است؛ نوعی تحديد برای متخالفين و ناسپاسان و متخالفين به احسان پدر و مادر است. همانگونه كه ناسپاسان خداوند معذب ميشوند، متخالفين از احسان به والدين نیز معذب می شوند.

خداوند برای والدين چنان ارزشی قائل است كه به فرزندان سفارش نمود حتی به والدين أف نگويد «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء / ۲۳)



(به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «أف» نگو و به آنان پرخاش نکن و با آنها سخنی شایسته بگوید.)

در آیه دیگر می فرماید «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». (احقاف / ۱۵). (انسان را آنسبت [به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و حمل برداشتن تا از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می گوید: پروردگارا، بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان؛ در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم.)

علت احسان به والدین، در این آیه شریفه، زحمات مادر دانسته شد، حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ... (احقاف / ۱۵). این عظمت کار مادر است که مورد استدلال خداوند قرار می گیرد. (زن در آینه جمال و جلال، ص ۱۳۵-۱۳۶)

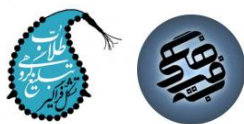
بعد از شیردهی به دوران رشد فرزند اشاره می کند « إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ » این دوران تربیت در دامنی مادر است، این مسئولیت مادر برای فرزند است.

در این آیه سخن از دوران بزرگسالی فرزند است « وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً »، زمانی که به چهل سالگی رسیده، یعنی زمانی که به بلوغ عقلی رسید، تازه آن موقع متوجه نعمت والدین می شود. آن ضرب المثلی که می گوید: تا وقتی پدر و مادر نشده قدر بابا و مامان را نداند. برگرفته از همین آیه شریفه است.

مقام مادر در روایات

برای بیان مقام مادر به چند روایت از پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) توجه می کنیم تا مختصر باشد و مقاله پردامنه نشود.

از روایت مشهور پیامبر آغاز می کنیم تا عظمت مادر در جمله ای کوتاه دیده شود. «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى صَلَواتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸) پیامبر فرمود: بهشت زیر پای مادران است. «قَالَ



رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱).
دری از درهای بهشت در زیر پای مادران است.

خداوند بهشت خود را در زیر قدمهای مادران قرار داده است. این روایات اشاره به جایگاه رفیع مادر در نزد خداوند دارد.

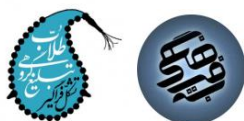
«رُؤْيَى أَنْ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ الْوَالِدَيْنِ أَعْظَمُ قَالَ الَّتِي حَمَلْتَهُ بَيْنَ الْجَنْبَيْنِ وَ أَرْضَعْتَهُ بَيْنَ التَّدْيِينِ وَ حَضَنْتَهُ عَلَى الْفَخْذَيْنِ وَ قَدَّتَهُ بِالْوَالِدَيْنِ» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۲) (روایت شد که مردی از پیامبر پرسید: پدر و مادر کدام یک اعظم هستند؟ پیامبر فرمود: آن کس که تو را در شکم حمل نمود و به تو شیر داد و تو را حفظ کرد، پدر و مادرش را فدای تو کرد. یعنی هستی خود را فدای تو نمود.

مادر، دوران بارداری و شیردهی را به تنهایی بر عهده دارد. مادر، حفاظت از طفل را در دورانی که هیچ توانی ندارد با نقش فراوان بر عهده دارد. اوست که پدر و مادرش را رها کرده تمام وقت را برای بچه اش گذاشته است. مادر نسبت به پدر ارزش بیشتری دارد؛ اوست که می تواند جامعه را با پرورش اطفال به هدایت برساند و انسانی سالم و صالح تربیت کند که جامعه را به سوی سعادت هدایت کند.

امام خمینی با توجه به این جایگاه مادر می فرمود:

«شما مسئول تربیت اولاد هستید؛ شما مسئولید که در دامنهای خودتان اولاد متقی بار بیاورید، تربیت کنید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد را تربیت کنیم؛ لکن در دامن شما بهتر تربیت می شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد. مسئولیت دارید نسبت به فرزندان خود، مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان. و شما می توانید بچه هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند. شما می توانید بچه هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند؛ حفاظت از آمال انبیا بکنند. شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان، اولاد شما هستند؛ آنها را تربیت کنید. خانه های شما باید خانه تربیت اولاد باشد. منزل علماست منزل شما؛ و منزل تربیت علمی، تربیت دینی، تهذیب اخلاق. توجه به سرنوشت اینها بر عهده پدران است و بر عهده مادرها. مادرها بیشتر مسئول هستند؛ و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۵۰۴).

در روایتی است که یکی به پیامبر گفت: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ الْوَالِدِ؟ قَالَ: أَنْ تُطِيعَهُ مَا عَاشَ. فَفَقِيلَ، وَ مَا حَقُّ الْوَالِدَةِ؟ فَقَالَ: هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَوْ أَنَّهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ قَطْرِ الْمَطَرِ أَيَّامَ الدُّنْيَا قَامَ بَيْنَ يَدَيْهَا مَا عَدَلَ ذَلِكَ يَوْمَ حَمَلْتَهُ فِي بَطْنِهَا» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۲). (یکی از پیامبر پرسید حق پدر چیست؟ فرمود: آنچنان که زندگی



می کنید به او برسید. گفت حق مادر چیست؟ فرمود: اگر به اندازه ریگ های کوه عاج و قطره های بارانی که بر دنیا بارید به زیر پای مادر عطایا بریزید، هرگز به اندازه یک روز زحمت حمل شما در شکمش نمی شود.

این زحمت مادر است که قیمت ندارد. اجر و پاداش او در این دوران با مجاهد در میدان جنگ یکی دانسته شد.

فَقَالَ (ص): يَا أُمَّ سَلَمَةَ إِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا حَمَلَتْ كَانَ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِذَا وَضَعَتْ قِيلَ لَهَا قَدْ عُفِرَ لَكَ ذَنْبُكَ فَاسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ فَإِذَا أَرْضَعْتَ فَلَهَا بِكُلِّ رَضْعَةٍ تَحْرِيرٌ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲) پیامبر به ام سلمه فرمود: زن وقتی حامله می شود مانند سربازی است که با جان و مالش در راه خدا عز و جلّ جهاد می کند، وقتی زایمان می کند فرشته ای به او می گوید گناهانت بخشیده شد، کارت (وضع حمل) را تکرار کن، وقتی به بچه شیر می دهد ثواب آزاد کردن برده ای از نسل حضرت اسماعیل را دارد.

امام رضا فرمود: وَ اعْلَمَنَّ أَنَّ حَقَّ الْأُمِّ الْأَزْمُ الْحَقُوقُ وَ أَوْجِبُ لَأَنَّهَا حَمَلَتْ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ وَقْتُ بِالسَّمْعِ وَ الْبَصَرِ وَ جَمِيعِ الْجَوَارِحِ مَسْرُورَةً مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَحَمَلَتْهُ بِمَا فِيهِ مِنَ الْمَكْرُوهِ الَّذِي لَا يَصْبِرُ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَ رَضِيَتْ بِأَنْ تَجُوعَ وَ يَشْبَعَ وَ تَظْمَأَ وَ يَرُوى وَ تَعْرِى وَ يَكْتَسِي وَ تَظَلُّهُ وَ تَضْحَى فَلْيَكُنِ الشُّكْرُ لَهَا وَ الْبِرُّ وَ الرَّفْقُ بِهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَطِيقُونَ بِأَدْنَى حَقِّهَا إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸). (امام رضا فرمود: بدانید لازم ترین و واجب ترین حق، حقوق مادر است، چون زمانی که احد التاسی شما را بر نمی داشت، مادر شما را در شکمش حمل می کرد، او با چشم و گوش و تمام جوارح با شادابی شما را می پوشاند و حفظ می کرد، با تمام سختی هایی که بود هیچ کس کمکش نمی کرد. او به شما شیر داد زمانی که تشنه و گرسنه بودید، شما را می پوشاند وقتی برهنه بودید و با تمام وجود شما را در تمام سختیها در پناه خود می گرفت. پس باید شکر این همه مهربانی و محبت را بجا آورد که در توان کسی نیست جز اینکه خداوند کمکی بکند.

این مقام و ارزش مادر است که امام (ره) به فرزندش سید مصطفی چنین سفارش نمود:

«مادر خیلی احتیاج به خدمت دارد، باید از هر حیث مادی و معنوی رضایت او را به دست آورید، نگذارید نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید.» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۲۹).

فلسفه مادری

شناخت فلسفه وجودی مادر به سه عامل عمده طبیعی (غریزی و فطری)، اجتماعی و حبّ و عشق بستگی دارد.

۱. مادری به لحاظ طبیعی: لحاظ تأثیر مادری در مادر و فرزند است.



۲. مادری از فطری و جنبه های اجتماعی: تأثیر جنبه اجتماعی مادر در بهبود نسل و یا فساد آن؛ و در تربیت روح فرزندان به واسطه عواطف فوق العاده مادری است.

۳. مهر مادری: جنبه حبّ و عشق مادر به فرزند، از لحاظ مهر و محبت است. مهر مادری از تمام مهرهای جهان ممتاز است.

جنبه طبیعی مادری

فرزند از جنبه طبیعی، اثر و مولود پدر و مادر است، همچنان که فرزند طبیعی پدر است؛ فرزند طبیعی مادر نیز هست؛ البته با این تفاوت که مادر سهم بیشتری از جنبه طبیعی دارد، چون مادر در تشکیل هسته اولیه فرزند با همسرش به یک اندازه شرکت دارد؛ ولی بعد از انعقاد نطفه، در مدت حمل، فرزند از جسم و روح مادر تغذیه می کند، و در مدت شیر دهی نیز مادر نقش اصلی را دارد؛ بعد از اتمام دوره شیر خواری، تا قبل از بلوغ، خوراک روحی فرزند از مادر بیشتر از پدر است. (ر.ک مجموعه یاد داشت ها، ج ۷، ص ۲۵-۲۷)

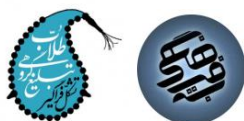
قرآن در این باره می فرماید: «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ» (احقاف / ۱۵) مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. از باردار شدن تا پایان شیر دهی او سی ماه است، و بعد از آن تا اینکه به رشد کامل خود برسد.

خداوند بار داری، زایمان و شیردهی را به مادر نسبت داده و پرورش تا بلوغ را به آن ملحق نموده است. این نسبت دادن تأثیر کم نظیر مادر نسبت به پدر در فرزندان است.

تأثیرات ژنتیکی و وراثتی فرزند از پدر مادر تقریباً یکسان است ولی بیشترین تأثیر دوران بارداری، شیردهی و پرورش تا دوران بلوغ فرزند با مادر است، در نتیجه تأثیر روحی و رفتاری مادر در فرزند خیلی بیشتر از پدر است. این تأثیرات امری انکار ناپذیر است.

بعضی اشکالاتی برای جایگاه مادری از جنبه طبیعی مطرح می کنند که ما به دو اشکال (زایش و کنترل) اشاره هایی می کنیم و با جواب دقیق و کوتاهی از آن می گذریم.

۱. بعضی جایگاه مادری را با نگاه به جنبه طبیعی زایش و حفظ نوزاد، عملی مهم و خاصی نمی دانند، چون این عمل در موجودات دیگر نیز هست.



باید بدانیم که این نگاه کاملاً اشتباه است چون بین انسان و موجودات دیگر تفاوت عمده ای وجود دارد، موجودات دیگر صرفاً وظیفه تکوینی را انجام می دهند، ولی از دیدگاه شریعت تأثیر مادر انسان، قبل از انعقاد، و بعد از انعقاد نطفه تا وضع حمل؛ و بعد از زایمان، در شیردهی خیلی زیاد است، علاوه بر پرورش جسم، تربیت جان و اعتقاد فرزند انسان است که در هیچ موجودی نیست. لذا مادر شدن در انسان امری طبیعی و تکوینی نیست، بلکه جایگاه خاصی است که برای همیشه منزلت و جایگاه مقدسی دارد.

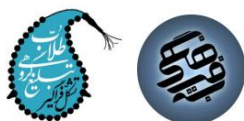
۲. بعضی ها خیال کردند با مسائلی مانند کنترل جمعیت می توان جایگاه مادری را تا عملی تفننی تنزل داد. با کمی دقت متوجه می شویم که صاحبان این تفکر، مسئله کنترل جمعیت را با بالهوسی اشتباه گرفتند. این مسئله بالهوسی است که نزدیکی را برای بعضی ها به جایگاه تفریحی و تفننی می کشاند، و الا کنترل جمعیت با جایگاه مقدس مادری تعارض و تزاممی ندارد، چون مسئله کنترل جمعیت فرع بر زایمان است، مانند مسئله ازدواج، مسئله تکرر زایمان و ... قابل نقد و بررسی است. مسئله کنترل جمعیت هیچ تزاممی و یا تعارضی با جایگاه و ارزش مادری ندارد.

عمده ترین دلیل در مسئله مادری، تولد انسان است. همین دلیل است که منزلت مادری را غیرقابل تنزل می کند. به تعبیر شهید مطهری، در زایمان زن، پای تولد فردی از انسان در میان است که از حیث ذاتی و شرافتی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰) را در میان تمام موجودات دارد (ر.ک مجموعه یادداشت ها، ج ۷، ص ۲۵-۲۷). و از حیث برتری و افتخار «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون / ۱۴) را در میان تمام کائنات دارد. این امری است که جایگاه مادری را مقدس نمود. این شرافت و افتخار را خداوند به هیچ موجودی به غیر از انسان نداده است.

امام خمینی با توجه به این بُعد وجودی مادر، خطاب به بانوان فرمود:

شما که وظیفه مادری دارید و این بزرگترین وظیفه است که اسلام به آن احترام گذاشته است؛ مادرانی که فرزندان را تربیت می کنند که آئیه ملت را حفظ می کنند. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۲۱).

علاوه بر اینها سرّ علاقه زوجین به یکدیگر، به فرزندان، و نیز علاقه درونی هر انسانی به تشکیل خانواده و لذت خالص خانوادگی که ناشی از اتحاد این دو روح است؛ در جای دیگری پیدا نمی شود. این رمز علاقه و اتحاد دو روح، کانون پرورش و تربیت فرزندان است، این علاقه غیر از علاقه جنسی و لذت جنسی است؛ حتی افرادی نظیر راسل اعتراف می کنند که لذت و مسرت حاصل از زندگی خانوادگی بالاتر و صاف تر از لذتی است که شخص از یک معشوقه عادی می برد. (ر.ک مجموعه یادداشت ها، ج ۷، ص ۲۶-۲۷). این سرّ و علاقه، و عشق و محبت عمده ترین نقاط تفاوت بین تفنن (لذت جنسی نامشروع) و واقعیات است. در واقع ازدواج در زیر چتر کرامت انسانی است که این علاقه اسرارآمیز بین زوجین را به وجود می آورد. این لذات در هیچ جای دیگری وجود ندارد.



جنبه فطری مادری

قانون اسلام، برآمده از فطرت الهی «فَطَرَتَ اللّٰهَ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم / ۳۰) است. دین فطری اسلام بزرگترین، با اهمیت ترین و شریف ترین وظیفه مادری را تربیت و پرورش فرزند قرار داده است. شهید مطهری می نویسد: بعضی خیال کردند دایه جایگزین مادر می شود در صورتی که وظیفه مادری قابل نیابت و واگذاری نیست؛ غیر از مادر کس دیگری نمی تواند آن را انجام بدهد؛ پرورشگاه، شیرخوارگاه، دایه و مربی خصوصی نمی تواند جانشین مادر شود (ر.ک مجموعه یادداشت ها، ج ۷، ص ۲۵-۲۷). چون تأثیر مادر بر فرزند، قبل از تولد شروع می شود، نوع غذای مادر از لحاظ حلال و حرام بودن، در سرشت انسانی فرزند مؤثر است؛ روحیات اخلاقی و نیات اعمال مادر در روحیه فرزند که در شکم دارد مؤثر است؛ این تأثیرات روحی و روانی که کودک از مادر گرفته منحصر در همین مادر است، دیگران این روحیات را نمی شناسند و نمی توانند آن را پرورش بدهند، این خلقیات و روحیات مانند صفاتی در وجود کودک پنهان شده است، اگر پرورش داده نشود پژمرده می شود.

وظیفه مادر از لحاظ تأثیر در جسم و جان، روح و روان کودک، منحصر به غذای عادی جسم در زمان کودکی نیست، تا به دایه واگذار شود؛ اینگونه موارد منحصر به مادر است، حتی در لقاح مصنوعی تأثیراتی که کودک از مادر اصلی می گیرد را مادر جایگزین نمی تواند تکمیل کند. اینها تفاوت های عمده مادر انسان با دیگران است.

فقط مادر است که می تواند فرزندش را با خلقیات دوران انعقاد نطفه و بارداری پرورش بدهد. این زن پاک است که فرزند طیب و طاهر تحویل جامعه می دهد. تاریخ افراد پاک سرشت و بزرگی را در دل خود دارد که محصول پاک دامنی مادرشان در دوران حمل و شیرخوارگی اند؛ و نیز افراد بد سیرتی که محصول دوران حمل و شیرخوارگی مادران ناسالمند.

اسلام آغاز تربیت فرزند را قبل از تولد، بلکه قبل از انعقاد نطفه می داند؛ لذا دستواتی برای لقمه پدر و مادر، قبل از انعقاد نطفه و جنین، و لقمه مادر در دوران حمل و شیردهی دارد. لذا اولین قدم تربیتی با مادر است. امام (ره) می فرمود:

شما خانم ها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید؛ و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان را دارید. اول مدرسه ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می کند؛ و خدای نخواستہ، اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان توی دامن مادر، منحرف بیرون می آید. (صحیفه امام، ج ۷، ص: ۲۸۳)

از دامن همین مادرها مالک اشتر پیدا می شود. از دامن همین مادرها حسین بن علی پیدا می شود. از دامن همین مادرها اشخاص بزرگ پیدا می شوند که یک ملت را نجات می دهند. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۷)



برای این مراحل خداوند عشق و محبت فراوانی در دل والدین مخصوصاً مادر قرار داده است. شهید مطهری می نویسد: لذت و محبت زایدالوصف مادر از وجود فرزند، محبت عالی و ضرب المثلی مادران بر فرزند، همان وظیفه عظیمی است که خالق هستی بر عهده مادر گذاشته است. (ر.ک مجموعه یاد داشت ها، ج ۷، ص ۲۶-۲۷)

نقش، منزلت و اهمیت جایگاه مادری، در بهبود و اصلاح نژاد و یا افساد آن بی رغیب است. در این جایگاه مردان نسبت به زنان، واقعاً فرعی و طفیلی هستند. در حقیقت در این زمینه حکومت مادرشاهی برای همیشه برقرار است. لذا اسلام برای انسان، قبل از انعقاد نطفه فرامینی صادر نموده است. امام خمینی می فرماید:

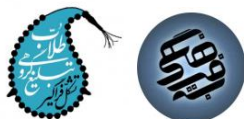
در قوانین الهی قبل از اینکه انسان نطفه اش در این عالم بیاید؛ دستوراتی هست. یک انسان را در نظر بگیرید، قبل از اینکه پدر و مادرش ازدواج کنند، دین برای کیفیت ازدواج و مقدمات بچه دار شدن دستوراتی دارد، برای وقتی که مادر حمل برمی دارد، دوران (بارداری) آدابی است. وقتی که بچه به دنیا می آید، تربیت نوزادی که تازه متولد شده، کیفیت معاشرت مادر با آن بچه و تکالیف مادر نسبت به آن بچه فرامینی است. هر چه بچه بزرگ می شود، تکالیف والدین نسبت به او بیشتر می شود. (ر.ک. صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱)

در همه این موارد نقش مادر پررنگتر است، حتی در مواردی مانند دوران بارداری و شیردهی نقش مرد واقعاً کم رنگ است.

برای این اهمیت فوق العاده مادر است که رهبری در دیدار با بانوان پزشک متخصص و اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان فرمود: مسأله ی مادری، مسأله ی همسری، مسأله ی خانه و خانواده، مسائل بسیار اساسی و حیاتی است. در همه ی طرحهایی که ما داریم، بایستی «خانواده» مبنا باشد. یعنی شما اگر بزرگترین متخصص پزشکی یا هر رشته ی دیگری بشوید، چنانچه زن خانه نباشید، این برای شما یک نقص است. کدبانوی خانه شما باید باشید؛ اصلاً محور این است. اگر بخواهیم تشبیه ناقصی بکنیم، باید به ملکه ی زنبور عسل تشبیه کنیم. (ر.ک. سی دی حدیث ولایت، بیانات ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰)

اسلام در برخی جاها حتی زن را بر مرد ترجیح داده است. مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند، این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمت گذاری فرزند در مقابل مادر، لازم تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه ی فرزند نسبت به مادر سنگین تر است. (سی دی حدیث ولایت، بیانات ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۳)

روایات فراوانی در این زمینه هست، پیامبر اکرم در جواب کسی که سؤال کرد: «من ابر؟» (به چه کسی نیکی کنم؟) فرمود: «أمک» (به مادرت نیکی کن). بار دوم پرسید بازهم همین را فرمود؛ دفعه سوم پرسید بازهم همین



را فرمود. دفعه چهارم که پرسید، فرمود: «آبَاک» (به پدرت نیکی کن) (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۱). این روایت نشان می‌دهد که برای مادر خانواده در رابطه با فرزندان، حق سنگین تری است. لذا ارزش والاتری است.

محبت مادری

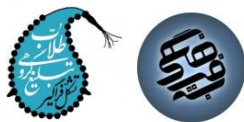
شهید مطهری برای حبّ و عشق مادری حکمت و فلسفه ای قائل است. وی این حکمت و فلسفه را منحصر به رشد جسمی فرزند نمی‌داند، بلکه برای آن جنبه عمومی و اجتماعی قائل است و آن را مقدمه ای برای پرورش عاطفی روح فرزند در اجتماع می‌داند. (ر.ک. یاد داشت ها، ج ۷، ص ۲۹-۳۰)

خداوند انگیزه مادری که لطیف ترین و قوی ترین انگیزه در نهان زن است را در مادر به ودیعه گذاشته و او را مظهر لطف و صفا و محبت برای کودک ساخته است. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كَرْهًا وَ حَمَلَهُ وَ فَصَّالَهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ» (احقاف / ۱۵) مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بارداری تا از پایان شیردهی او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد. خداوند در این آیه فرمود: «كَرْهًا» معنای گره درد و سختی همراه با لذت است، این لذت را خداوند در وجود مادر قرار داد تا فرزندش را با لذت حمل کند و با لذت از شیر جانش به او بخوراند.

وجود مادر از لحاظ تأثیری که در دوره حمل و شیر دهی در روح و جسم فرزند دارد و از لحاظ محبت و عواطف خاص مادری که دست توانای خلقت در وجود مادر گذاشته، دارای رمز، سرّ و فلسفه ای است. مادر در دوره حمل فقط ماشینی بی تأثیر در وجود فرزند، و در دوره شیردهی، صرفاً لوله شیر نیست که کودک از آن ارتزاق کند، بلکه کانون محبت از دوران حمل تا رشد کامل فرزند، برای تربیت نسل بشر است، لذا تضعیف جایگاه مادر، تضعیف جامعه بلکه نسل بشری است.

استاد مطهری می‌نویسد: بین شیر مادر با شیر خشک و شیر گاو و یا شیر زن دیگر تفاوت هایی است. محبت مادری و ملازمت و معاشرت مادر با فرزند، با محبت دیگران متفاوت است، در این موارد غایت و هدف تکوینی و طبیعی نهفته است. (یادداشت ها، ج ۷، ص ۲۷) مادر معدن محبت برای تربیت فرزندش است که در دیگران آن محبت برای این فرزند وجود ندارد.

مادر در حصار چهار دیواری خانه کودکی را پرورش می‌دهد که فردای جامعه را بر عهده دارد. او اگر کودکی توانا و سعادت مند پرورش بدهد جامعه ای را به سعادت می‌رساند. مادر بارزترین منشاء آسایش و عالی ترین منبع سعادت خانواده است. به قول آیت الله جوادی این مادر است که پیامبر تربیت می‌کند. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۱۷)



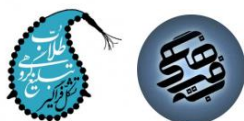
فلسفه وجودی مادر با فلسفه وجودی انسان گره خورده است، فلسفه وجود انسان برای عبادت خداوند است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات: ۵۶)، عبادتی که برای ترقی و سعادت بشر است، و این سعادت با تربیت صحیح مادر پیوند خورده است. امام خمینی فرمود:

فضیلت بانوان به این بچه هایی که در دامن نشانده اند سرایت می کند. آن مقداری که فضیلت از بانوان سرایت به اطفال و بچه ها می کند، آن مقدار در مدارس حاصل نمی شود. بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند. آن چیزی که از دهان مادر و از زبان مادر می شنوند در قلبشان ثابت می ماند. در جاهای دیگر این طور ثبوت ندارد؛ نقش نمی بندد. اگر مادرها مادرهای با فضیلت باشند، اولادها با فضیلت تحویل می دهند. اولاد با فضیلت کشور را درست می کند. درست شدن کشورها مرهون شماهاست. مرهون شما مادرهاست. (صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۴۴).

دامن مادر بهترین مکتب برای اولاد است. (شما) نسبت به فرزندان خود مسئولیت دارید، نسبت به کشور خودتان مسئولیت دارید. شما می توانید بچه هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند (ر.ک. صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۰۴).

خداوند زن را معدن محبت الهی قرار داد و زن زیرک از این معدن محبت، فقط برای فرزندش بهره نمی گیرد بلکه برای شوهر این محبت بی بدیل را خرج می کند. محبت مادری برای مرد نیازی به اندازه طول عمر اوست؛ حضرت فاطمه برای پیامبر عاطفه مادری به کار می گرفت که او را ام ابیها نامیدند. با توجه به همین نکته است که رهبری فرمود: برای یک مرد بزرگ، این همسر کاری را می کند که مادر برای یک بچه ی کوچک آن کار را می کند؛ زنان دقیق و ظریف، به این نکته آشنا هستند (ر.ک. سی دی حدیث ولایت، بیانات ۴ / ۱۰ / ۱۳۷۰). زمانی که ابی طالب و خدیجه ی کبری در مدت کوتاهی از دنیا می روند و پیامبر، تنهای تنهاست، فاطمه تنها زنی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه می کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی می کند، این قضیه ی «فاطمه ام ابیها» مربوط به اینجاست. (ر.ک. سی دی حدیث ولایت، بیانات ۲۶ / ۶ / ۱۳۷۶). با توجه به این جایگاه زن است که امام (ره) فرمود: از دامن زن، مرد به معراج می رود. (ر.ک. صحیفه امام، ج ۷، ص ۳۴۱).

محبتی که در مهر مادری است از مقوله عشق است. دامنه علم تجربی و عقل بشری در حد علم فیزیکی (تجربه پذیر) است که به مقوله عشق نمی رسد لذا آنها این محبت را در مقوله غریزه مورد مطالعه قرار می دهند. در حیوان شاید بتوان از دریچه غریزه، محبت مادری حیوان را توجیه کرد (ر.ک. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۵، ص ۵۷۴)، ولی محبت در انسان (مادر) از مقوله غریزه فراتر می رود، به محبت و عشق و ایثار وصف ناپذیر می رسد، یعنی از مقوله عقل فراتر می رود. عقل فقط می گوید محبت وجود دارد، باقی موارد (عشق و ایثار) قابل مطالعه با عقل و علوم تجربی نیست.



این مهر و محبت و عشق مادری چاشنی پرورش روح و ایجاد عاطفه انسانی و اجتماعی در فرزند است. دامنه علوم تجربی در حد آن نیست، لذا باید در علوم غیر تجربی آن را یافت.

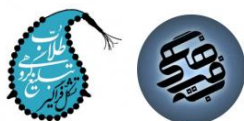
امیرالمؤمنین از همین قدرت عشق و عاطفه در قضاوتش استفاده می نمود. داستان دو زنی که بر سر یک طفل دعوا داشتند، امیرالمؤمنین فرمود: شمشیر بیاورید تا این طفل را از وسط دو قسمت کنیم و به هر یکی نیمی از طفل را بدهیم. آن که مادر واقعی بود از ادعای خود صرف نظر کرد تا طفلش زنده بماند، و امیرالمؤمنین او را مادر واقعی دانست و طفل را به او داد.

اینجا تفاوت مادر با زن دیگر اعم از دایه و مادر جایگزین و غیره معلوم می شود. این بُعد مادری است که نیابت بردار نیست. هر چند که محبت و عشق و عاطفه در انسان قابل تغییر است، کم و زیاد می شود، ولی نابود نمی شود. انسان ها هر چه از تمدن امروزی دورتر بوده اند احساسات و عواطف شان بیشتر بود؛ هر چه به تمدن و زندگی امروزی نزدیک تر شدند، به زندگی فردی و شخصی گرفتارتر شدند از عاطفه و محبت دورتر شدند. این یک اصل مورد قبول همگان است.

شهید مطهری از قول خانم بناتریس ماریو می گوید: احساسات مادری گزینه نیست، یعنی چنین نیست که مادر مقادیری احساسات ثابت و غیر قابل کاهش و افزایش نسبت به فرزندان خود داشته باشد، بلکه عواطف شوهر تأثیر فراوانی در احساسات مادری زن دارد. زن باید از وجود مرد عواطف و احساسات بگیرد تا بتواند فرزندان را از سرچشمه فیاض عواطف خود سیراب کند. در این قضیه، مرد مانند کوهسار، زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل ها و گیاه ها هستند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص: ۲۶۹-۲۷۰)

مادر شاغلِ متمدنِ امروزی که ذائقه اش با لذت های امروزی پر شده، با مادری که شغلش خانه داری و مادری است، تفاوت عاطفی عمده ای دارند. برای فهمیدن تفاوت محبتِ عاطفی مادر شاغلِ امروزی با مادر خانه دار و بچه دار، به مثالی می پردازیم.

ذائقه کودکان امروزی پفکی و فست فودی است؛ ذائقه کودکان سابق، میوه فصلی بود. علم پذیرفته که پفک و فست فود برای رشد و سلامتی مضر و میوه فصل برای رشد و سلامتی مفید است. همه می دانیم پفک و فست فود مضر است، اما با تبلیغاتِ مدرن، خودمان با دست خودمان، کودکان خود را پوفکی و فسفوتی می کنیم. همین دنیا، با تبلیغات وسیع خود، لذت مادری را از مادران و فرزندان گرفته و جای آن را مادری با رنگ و لعاب مصنوعی امروزی (مهد کودک، پرورشگاه) گذاشته است که حاصل آن اکتفا به مهر و عاطفه حداقلی است. لذا مهر و عاطفه در بین اجتماع امروزی با گذشته و نیز جامعه روستایی با شهری متفاوت است.



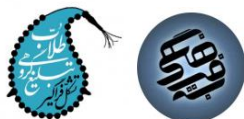
بین دو مادر امروزی که یکی خانه دار و دیگری شاغل است، تفاوت عمده ای وجود دارد. مادر خانه دار عواطفش خیلی بیشتر از یک مادر شهری شاغل است. همین تفاوت عمده را می شود در زندگی روستایی و شهری امروزی دید. هنوز زندگی عاطفی در روستا بیش از شهر است. در روستا پدر و برادر و گاهی مادر و خواهر درآمد دارند ولی یکجا با مدیریت پدر خرج می کنند. رفاه و مشکل برای خانواده هست ولی همه ی اعضای خانواده بدون کم و کاست در آن شریک هستند؛ بر خلاف شهر که هر کس تلاش دارد برای خودش درآمد داشته باشد. پسر و دختری که با والدین زندگی می کنند بر سر سفره آنها نشسته اند؛ اما برای خودشان شاغل هستند و افتخار می کنند که دستشان توی جیب خودشان است؛ یعنی درآمدشان برای خودشان است. در این زندگی خبر از عاطفه ای در حد زندگی خانوادگی روستا نیست.

در زندگی امروزی پدر همانند دستگاه چاپ اسکناس شده و مادر به کمک پدر برای چنین هدفی، تمام وقت در بیرون خانه است. چنین والدینی وقتی به منزل می رسند فقط به اندازه خور و خواب وقت دارند، یعنی خانه ای که مسکن بود به خوابگاه مبدل شده است. در این خانه جایی برای مهر و محبت به فرزند و ابراز عاطفه و عشق بین فرزندان و والدین باقی نمانده است. وقتی عاطفه و عشق ابراز نشود پژمرده شده و رو به کاستی می رود. و همین کاستی محبت و عاطفه به جامعه سرازیر می شود. این تفاوت مقایسه دو زندگی روستایی و شهری، به وضوح در زندگی شهری با والدین شاغل دیده می شود.

عشق به فرزند و والدین، عشقی الهی است لذا شهید مطهری می گوید: احساسات مادر نسبت به فرزند احساسی عالی، پرشکوه و عظیم و قابل مدح است؛ مادر این احساسات را کسب و تحصیل نکرده، و با اختیار خودش به دست نیاورده، بلکه قانون حکیمانه خلقت، این احساسات بسیار شدید را به او داده است برای اینکه نظام امور درست صورت گیرد، اگر چنین نبود هیچ مادری بچه خودش را پرستاری نمی کرد. احساسات مادر مافوق احساسات دوستانه است، احساسات مادر ناشی از یک عاطفه ای است که از دایره «خود» یعنی «فرد» خارج است، لذا نمی شود احساسش را احساسات اخلاقی و کارش را اخلاق مادرانه نامید. (ر.ک. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۲، ص ۳۲۵) مهر مادرانه عشقی الهی است که در وجود مادر می جوشد. از جوشش آن محبت و عشق مادر و فرزندی حاصل می شود که بی نظیر است.

حضرت امام می فرمود:

«بچه ها آن علاقه ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند، و در دامن مادر که هستند تمام ... آرزوهایی که دارند خلاصه می شود در مادر و همه چیز را در مادر می بینند، حرف مادر، خُلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد. لا محاله یک بچه در دامن مادر- که اول کلاس است- این دامن اگر یک دامن طاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می کند. بچه



وقتی در دامن مادرش هست، می بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، این بچه از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر- که از همه تقلیدها بالاتر است- و به تزریق مادر- که از همه تزریق ها مؤثرتر است- تربیت می شود. شما این مسئولیت بزرگ را دارید که باید بچه های خودتان را که نوزاد هستند، و نفوس شان ... تربیت را زود قبول می کند، خوب و بد را زود قبول می کند، شما از اول که این بچه ها در دامن شما بزرگ می شوند، مسئول افعال و اعمال آنها هم شما هستید. همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، اگر یک بچه بد هم- خدای نخواست- در دامن شما بزرگ بشود، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا بشود. گمان نکنید که یک بچه است؛ یک بچه گاهی وقت ها در جامعه، وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می شود، و محتمل است که بچه یک فقیر، یک وقت در رأس جامعه واقع بشود. اگر این بچه ای که شما تربیت کردید یک تربیت صحیح باشد و آن وقت آن بچه در رأس جامعه واقع بشود، یک ملت را سعادت مند می کند؛ و آن شرفش مال شماست؛ یعنی شما این سعادت را برای یک ملت بیمه کردید». (صحیفه امام ج ۷، ص ۲۸۳-۲۸۴)

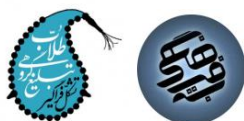
نقش و هنر مادری، تربیت فرزند در آغوش پر مهر و محبت مادر است. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می دهد؛ در حالی که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است. (سی دی حدیث ولایت، بیانات ۵ / ۵ / ۱۳۸۴)

از مادر و تأثیراتش هر چه بگوییم کم گفته ایم. شیخ مرتضی انصاری (عالم کم نظیر جهان اسلام) در کنار جنازه مادرش به زانو نشسته و به شدت گریه می کرد. یکی از نزدیکان بعد از تسلیت گفت: شما با این جایگاه و مقام علمی، شایسته نیست برای پیر زنی اینگونه گریه کنید! ایشان گفت: مثل اینکه مقام ارجمند مادر را نمی دانید، من هر چه دارم از زحمات و تربیت صحیح ایشان است. (حقوق والدین، ۱۹-۲۰)

ناپلئون می گفت: مادر با دستی گهواره و با دستی عالم را تکان می دهد. و ادیسون میگفت: دنیا هر چه دارد از من است و من هر چه دارم از مادر است. (حقوق والدین، ص ۲۰)

دامنه بحث خیلی وسیع است، خوب است آن را با وصیت شیوای امام امت (ره) به فرزندش حاج احمد آقا برچینیم:

« بزرگترین وصیت من به تو فرزند عزیز، سفارش مادر بسیار وفادار تو است. حقوق بسیار مادرها را نمی توان شمرد و نمی توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال ها عمر پدر متعهد ارزنده تر است. تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف ربّ العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته، آن گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت



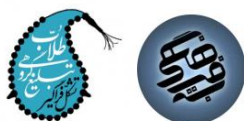
کسی جز مادران درنیاید و این رحمت لا یزال است که مادران را تحمّلی چون عرش در مقابل رنج ها و زحمت ها از حال استقرار نطفه در رحم و طول حمل و وقت زائیدن و از نوزادی تا به آخر، مرحمت فرموده؛ رنج هایی که پدران یک شب آن را تحمّل نکنند و از آن عاجز هستند. این که در حدیث آمده است که «بهشت زیر قدمهای مادران است» یک حقیقت است و این که با این تعبیر لطیف آمده است برای بزرگی عظمت آن است و هشیاری به فرزندان است که سعادت و جنت را در زیر قدم آنان و خاک پای مبارک آنان جستجو کنید و حرمت آنان را نزدیک حرمت حق تعالی نگهدارید و رضا و خشنودی پروردگار سبحان را در رضا و خشنودی مادران جستجو کنید. مادران گرچه همه نمونه اند لکن بعضی آنان از ویژگی های خاصی برخوردارند و من در طول زندگی با مادر محترم تو و خاطراتی که از او- در شب هایی که با اطفال خود می گذرانند و در روزها نیز- دارم، او را دارای این ویژگی ها یافته‌ام. اینک به تو ای فرزند و به سایر فرزندانم وصیت می کنم که کوشش کنید در خدمت به او و در تحصیل رضایت او پس از مرگ من، همان گونه که او را از شماها راضی می بینم در حال زندگی و پس از من بیشتر در خدمتش بکوشید.» (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۲۲۵-۲۲۶)

نتیجه

جامعه استعماری در گذشته افراد را با ضرب تازیانه به بردگی می کشید تا منافع خود را تأمین کند و برای خود زندگی راحتی بسازد. در دنیای متمدن امروز نوع برده داری تغییر یافته است. کشورهای استعمارگر با رنگ و لعاب آزادی و ترقی و تمدن تلاش می کنند هزینه های زندگی راحت خود را بر دوش دیگران بگذارند و برای رسیدن به این مقصود، فرهنگ جوامع دیگر را هدف قرار می دهند.

برای تخریب فرهنگ، باید تهاجم از درون و با دست خودی باشد، لذا آنها با تبلیغات وسیع، افراد داخل فرهنگی را علیه فرهنگ خودی به کار می گیرند. آنها حمله به محور اصلی فرهنگ را با زبان نرم و شیرین تبلیغ می کنند تا افراد جامعه هدف، علیه خودشان برخیزند. مادری یکی از محورهای استقرار و قوام جامعه ی با فرهنگ اصیل است. استعمار تلاش می کند ارزش مادر و مادری را در جامعه پایین بیاورد تا بتواند بر آن مسلط شود. راه مقابله با این تهاجم، آگاه کردن اجتماع از مقام مادری و ساختن بستر مناسب برای گسترش ارزش مادری در اجتماع است.

مادر، مدیر و قلب تپنده خانواده است. اسلام، مادر را مرکز ثقل خانه قرار داده است لذا کار بیرون را از عهده او برداشته است تا جامعه از پرورش فرزندان برومند و صالح در کمال آرامش برخوردار باشد. مادر صالح دیندار می تواند جهانی را سعادت‌مند کند.



منابع:

- قرآن کریم.
 - امام خمینی، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، چاپ دوم ۱۳۸۹.
 - رهبری، آیت الله العظمی خامنه ای، حدیث ولایت، سی دی حدیث ولایت.
 - علامه جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، قم، اسراء، چاپ چهاردهم ۱۳۸۶.
 - علامه مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ ۱۴۰۳ ق.
 - قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
 - مطهری، استاد شهید مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ چهارم،
 - میرعظیمی، سید جعفر، حقوق والدین، کرمان، مؤلف، چاپ اول ۱۳۶۹.
 - نوری، میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الثانية ۱۴۰۸ ق.
- منبع: حضور، ش ۹۴، ص ۵۴.

